WWW.ATHAREBARTAR.COM

سیلک

کهن‌ترین روستای محصور ایران

گزارش نهایی طرح بازنگری سیلک

تألیف:

دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی

سرپرست و مجری طرح

پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی

۱۳۸۵

WWW.ATHAREBARTAR.COM

به جلیل گلشن
که «طرح بازنگری سیلک» با همراهی و همکاری او شکل گرفت
و با حمایت‌های همه‌جانبه‌اش آغاز شد
و پنج فصل پژوهش با یاری او به پایان رسید.

صادق ملک‌شهمیرزادی
سرپرست و مجری «طرح بازنگری سیلک»

فهرست مطالب

ـ سخن ناشر ۹

ـ تشکر و اعتذار ۱۳

ـ مقدمه ۱۵

ـ اعضاء هیئت «طرح بازنگری سیلک» از اولین فصل از ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۰ .....
لغایت پایان پنجمین فصل در ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۴ به ترتیب حروف الفبای اول نام خانوادگی ۲۳

ـ دست‌آوردها و نتایج حاصل از فعالیت‌های پژوهش‌های میدانی «طرح بازنگری سیلک» .....
در هر یک از فصول پنجگانه ۲۹

ـ فصل اول: ۱۳۸۰ (از ۱۰ دی‌ماه لغایت ۱۵ اسفندماه = ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ لغایت ۶ مارس ۲۰۰۱) ۳۱

ـ فصل دوم: ۱۳۸۱ (از ۲۳ آذرماه لغایت ۲۱ بهمن‌ماه = ۱۴ دسامبر ۲۰۰۲ لغایت ۱۰ فوریه ۲۰۰۳) ۳۷

ـ فصل سوم: ۱۳۸۲ (از ۲۸ آبان لغایت ۱۰ بهمن‌ماه = ۱۹ نوامبر ۲۰۰۳ لغایت ۳۰ ژانویه ۲۰۰۴) ۴۳

ـ فصل چهارم: ۱۳۸۳ (از ۵ آذرماه لغایت ۹ بهمن‌ماه = ۲۶ نوامبر ۲۰۰۴ لغایت ۲۹ ژانویه ۲۰۰۵) ۴۹

ـ فصل پنجم: ۱۳۸۴ (از ۲۱ آبان‌ماه لغایت ۱۰ دی‌ماه = ۱۲ نوامبر لغایت ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵) ۵۵

ـ حاصل سخن ۶۱

ـ نقشه‌ها، پلان‌ها و طرح‌های فنی ۶۹

ـ نمودارها و جدول گاهنگاری پیش‌ازتاریخ فلات مرکزی ایران ۹۱

ـ عکس‌ها ۹۹

ـ بخش انگلیسی ..... (1-43) ۱۴۱

WWW.ATHAREBARTAR.COM

سخن ناشر

برآمدن و فراز و فرود فرهنگ‌ها از دوره نوسنگی تا هزاره‌های اول پیش از میلاد در نقاط مختلف ایران با صور گوناگون ادامه یافت و برخی از این جوامع، زندگی مبتنی بر شهر و شهرنشینی را برگزیدند و برخی نیز دچار گسست فرهنگی گردیده و جوامعی نیز زندگیِ مبتنی بر چادرنشینی و دامداری را برای ادامه حیات خود انتخاب نمودند. یک چنین پیچیدگی فرهنگی، باستان‌شناسان را در مسیری دشوار قرار داد تا بتوانند به تبیین درست یک چنین رویداد مهم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در هزاره‌های پیش‌ازتاریخ بپردازند. بنابراین باستان‌شناسان با استفاده از روش‌های مختلف و با طرح پرسش‌های باستان‌شناختی به کاوش و بررسی‌های گسترده در نقاط مختلف ایران پرداختند. شاید به بیراهه نرفته باشیم که تقریباً از هزاره‌های اول پیش از میلاد به بعد سیر تطور فرهنگی با رویکردی پایدارتر و یکپارچه‌تر در اقصی نقاط ایران تداوم یافت و قبل از آن شاخص‌های فرهنگی نقاط مختلف از راهبردی ناهمگن پیروی می‌نموده است و امکان اینکه بتوان مدلی همسان برای تطور فرهنگی جوامع انسانی نقاط مختلف ایران پیشنهاد نمود را غیر ممکن ساخته است. لذا تبیین فرایند موضوعات باستان‌شناختی از قبیل نوسنگی‌گرایی و شهرنشینی در چهارگوشه فلات ایران از جدی‌ترین مباحث علمی چند دهه اخیر باستان‌شناسان بوده است. اینکه از منظر باستان‌شناختی این فرضیات تا چه حد قابل دفاع بوده و مشهودات ماحصل از کاوش‌ها تا به چه حد از اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار است از اهم مسائلی بود که باستان‌شناسان را وادار نموده به بازنگری بسیاری از مطالعات گذشته بپردازند و محوطه‌هایی را دوباره بکاوند.

منطقه موسوم به فلات مرکزی نیز یکی از کانون‌های مهم تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی از هزاره‌های ششم به بعد بوده و جوامع انسانی ساکن در آن نقشی سازنده در پویایی فرهنگی و برهمکنش اقتصادی با ساکنان دور و نزدیک خود داشته‌اند. جای بسی خوشبختی است که باستان‌شناسان متعهد ایرانی سهم اساسی در شناخت یک چنین تحولات بس مهم در این خطه از ایران داشته‌اند. سهم پررنگ باستان‌شناسان ایرانی در عرصه‌های تحقیقاتی منطقه فلات مرکزی موجبات بسیاری از پرسش‌های عالمانه را فرهم آورد. از منظر زمانی دوره پیش‌ازتاریخ فلات مرکزی در برگیرنده حداقل ۳۰۰۰ سال تغییر و تسلسل مداوم است. استقرارهای پیش‌ازتاریخ فلات مرکزی برخلاف بسیاری از مناطق دیگر ایران از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که تا حدود زیادی قابل تمایز با محوطه‌های پیش‌ازتاریخ فارس، زاگرس و خوزستان هستند. انباشت لایه‌های باستانی که در برخی از محل‌ها با ضخامتی حدود ۱۵

WWW.ATHAREBARTAR.COM

متر و یا تراکم شدید استقرارها به جای گسترش وسعت آنها، پیشرفت در فن‌آوری‌ها و نوآوری در صنایع و فنون و بسیاری از موارد دیگر از اختصاصات اصلی این منطقه است. حال پرسش این است که چگونه بتوان یک چنین تحولات عظیمی را در بین لایه‌های باستان‌شناختی محوطه‌هایی همانند سیلک تبیین نمود؟

بی‌شک محوطه باستانی سیلک از اهمیت استراتژیک در

- ارائه مدلی نو برای تصحیح گاهنگاری فلات مرکزی،
- شناخت تسلسل فرهنگی،
- مطالعه دگرگونی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی،
- و حتی مطالعه مقولاتی از قبیل شناخت منشاء و مشروعیت‌بخشی قدرت حاکمان و خان‌سالارها در بستر زمان و مکان

برخوردار است.

خوشبختانه مطالعات باستان‌شناسی سیلک به یکی از باستان‌شناسان فرهیخته کشور جناب آقای دکتر صادق ملک شهمیرزادی سپرده شد که تمام حیات علمی خود را صرف مطالعه فرهنگی حوزه فلات مرکزی نموده است. در سالیان اخیر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری براساس اولویت‌های پژوهشی به بازنگری بسیاری از محوطه‌های کلیدی باستان‌شناختی پرداخته است که محوطه باستانی سیلک نیز جزو همین اولویت‌ها بوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی پنج ساله تپه سیلک از دو جهت مهم بوده است:

۱. بازنگری و بازبینی کاوش‌های انجام گرفته توسط رومن گریشمن
۲. حفاظت تپه سیلک از تخریب بیشتر توسط نیروی انسانی و دیگر عوامل مخرب.

خوشبختانه در هر دو مورد پژوهشکده باستان‌شناسی به توفیقات زیادی دست یافته است. همان‌طور که مؤلف کتاب حاضر به آن پرداخته است تپه سیلک چندین دوره و فاز استقراری را در خود جای داده است که مطالعه هرکدام از آنها بسیار مهم است. شناخت دوره‌های انتقالی و اینکه ساکنان سیلک در کدام مقطع زمانی از یک مرحله به مرحله دیگر تحول فرهنگی یافتند از مهمترین اهداف پژوهش‌های باستان‌شناسی بازنگری تپه سیلک بوده است. موضوعاتی از قبیل علل متروک‌شدن تپه سیلک شمالی و سکونت در بخش جنوبی که احتمالاً همراه با ظهور اقوام جدید بوده است انگیزه‌های کاوش‌های مجدد تپه سیک را فراهم آورد. شناخت دوره گذار از روستانشینی به شهرنشینی در فلات مرکزی به طور اعم و در تپه سیلک به طور اخص از دیگر اولویت‌های مهم پژوهش‌های باستان‌شناختی پروژه بازنگری سیلک بوده است. مطالعات باستان‌شناختی تپه‌های شمالی و جنوبی تپه سیلک در زمینه روشن‌شدن زوایای تاریک این دوره انتقالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. برخلاف هزاره‌های پیش‌ازتاریخ دانش باستان‌شناسی ما از دوره موسوم به شهر و شهرنشینی و یا عصر برنز فلات مرکزی بسیار کم‌رنگ است. تپه سیلک از معدود محوطه‌هایی است که دارای نهشت‌های فرهنگی اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم است. شناخت نخستین فاز نوسنگی تپه سیلک (دوره موسوم به سیلک I) با بیش از ۸ متر لایه‌های باستانی یکی از اولویت‌های باستان‌شناختی پروژه بازنگری بوده است. اصولاً در بسیاری از محل‌های نوسنگی فلات مرکزی همانند تپه چشمه‌علی حجم لایه‌های دوره سیلک I بیش از دو متر نبوده و روشن کردن یک چنین پیچیدگی از اهمیت خاصی برای مطالعات باستان‌شناسی فلات مرکزی برخوردار است. سیلک با چنین داشته‌هایی غنی، کاوش‌های گسترده‌ای را طلب می‌کرد که خوشبختانه با استفاده از تمام ظرفیت‌های داخلی و خارجی زمینه‌های پاسخگویی به پرسش‌های فوق را فراهم آورد.

کتاب حاضر که به عنوان گزارش نهایی پیش روی شماست حاصل پنج فصل کاوش مداوم در تپه سیلک است. پس از چاپ

WWW.ATHAREBARTAR.COM

کاوش‌های سیلک توسط رومن گریشمن کتاب حاضر به عنوان دومین کتابی است که تحت عنوان گزارش نهایی به زیور طبع آراسته گردید. گزارش حاضر در برگیرنده نتایج مختلف باستان‌شناختی سیلک است. از شاخص‌های بارز طرح مطالعات بازنگری تپه‌سیلک استفاده از علوم میان‌رشته‌ای در پژوهش‌ها و به‌ویژه تأکید بر مطالعه پیش از کاوش بوده است. همانگونه که در آغاز گفته آمد یکی از شاخص‌های مهم جوامع انسانی فلات مرکزی نوآوری‌های مهم در تخصص‌گرایی و پیشرفت در فنونی همانند صنایع فلزکاری، نوآوری در استفاده از مس، قلع، نقره و سفالگری است. یک چنین ویژگی‌هایی استقرارهای فلات مرکزی را کاملاً با دیگر محوطه‌های پیش‌ازتاریخ معاصر خود در دیگر نقاط ایران متمایز گردانیده است. خوشبختانه پروژه بازنگری سیلک در شناخت ویژگی‌های تکنولوژیکی ساکنان سیلک و با استفاده از علوم آزمایشگاهی اهتمام ویژه داشته است. شاید اگر لایه‌های باستانی تپه سیلک به روش کربن ۱۴ تاریخ‌گذاری مطلق گردد می‌توان اذعان نمود که مطالعات باستان‌شناختی بازنگری تپه سیلک به همهٔ اهداف خود رسیده است؛ امری که دور از دسترس نیست و پژوهشکده باستان‌شناسی آمادگی کامل برای هزینه کردن یک چنین مهمی را دارد.

امروز که اینجانب توفیق آن را یافته‌ام که در روز عید قربان به نگارش مقدمه کتاب دکتر ملک‌شهمیرزدای بپردازم بر خود لازم می‌دانم که مراتب سپاسگزاری و قدرشناسی زحمات آن استاد فرزدانه و اعضای کاوش سیلک را اعلام داشته و از خداوند بزرگ سلامتی و کامیابی هرچه بیشتر آن عزیزان را طلب نمایم. همچنین از اهتمام مسئولان سازمان و مدیران استان اصفهان و همهٔ دست‌اندرکارانی که به نحوی در پروژه سیلک سهیم بوده‌اند قدردانی می‌نمایم. کاوش‌های باستان‌شناسی سیلک در آغاز راه خود است؛ امیدواریم با طرحی نو، که بنیان‌های آن در طی پنج سال کاوش مهیا گردید، بتوانیم در آیندهٔ نزدیک شاهد نتایج درخشان‌تری از کاوش‌های سیلک باشیم.

دکتر حسن فاضلی‌نشلی
رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی

WWW.ATHAREBARTAR.COM

تشکر و اعتذار

شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم

اینک که پس از پنج سال مداوم و بدون وقفه پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای «طرح بازنگری سیلک» موفق به کسب دست‌آوردهای علمی بسیار چشمگیری گردید، جا دارد از همهٔ کسانی که از جنبه‌های مختلف معنوی و مادی طرح را یاری داده‌اند تشکر شود. از آنجا که نام آن عزیزان در گزارش‌های چهارگانه زیگورات سیلک، نقره‌کاران سیلک، سفالگران سیلک و صیادان سیلک آمده است از تکرار آن خودداری خواهد شد.

یکی از دلشوره‌های اینجانب در آخرین روزهای طرح پنجساله «طرح بازنگری سیلک» این بود که پس از پایان این طرح پژوهشی سیلک به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ آیا بازهم مانند گذشته باید بیش از هفتاد سال از پایان طرح بگذرد تا مجدداً مسئولان میراث فرهنگی ایران‌زمین به اندیشه حفظ و حراست از سیلک، که یکی از شاخصه‌های بسیار مهم فرهنگ پیش از تاریخ این مرز و بوم است و در سلسله مراتب فرهنگ انسان جایگاهی بس والا را دارا می‌باشد، چاره‌ای بیاندیشند؟

اینجانب به سهم خود و به عنوان کسی که با بضاعت محدود علمی به مدت پنج سال از ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۰ لغایت ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۴ سرپرستی و اجرای «طرح بازنگری سیلک» را به عهده داشت و مشمول الطاف خفیه الهی گردید تا با همکاری، همراهی و همدلی همکاران وفادار و فداکار، موفق شد تا علاوه بر کسب اطلاعات بسیار ارزشمند علمی سیلک را از صورت زباله‌دانی به صورت یکی از مهم‌ترین قطب‌های گردشگری در آورد اطمینان دارم مسئولان محترم سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور برای پیش‌گیری از هر گونه آسیب غیر قابل جبران دیگر برای سیلک اقدام نموده و تصمیمات لازم و درخور شأن آن را اتخاذ فرموده‌اند.

اینک که این چند سطر را به عنوان تشکر و اعتذار می‌نویسم به هموطنان عزیز اطمینان می‌دهم که در تمام مدت سعی کردم تا سرحد توانم دچار توهم نشده و تخیل را در ارائه گزارش دخالت ندهم . اگر از این بابت کوتاهی شده باشد کاملاً سهوی بوده و نه از روی عمد و قصد و نیتی خاص.

WWW.ATHAREBARTAR.COM

برای تمامی مسئولانی که خدمت به حفظ و حراست از میراث‌فرهنگی ایران‌زمین را وظیفه خود می‌دانند و در این راه کوشش می‌نمایند از درگاه ایزد منان توفیق خدمت، عزت، احترام و افتخار بیش از پیش آرزو می‌کنم.

از جناب آقای دکتر حسن فاضلی نشلی، ریاست محترم پژوهشکده باستان‌شناسی که چاپ و انتشار این گزارش را در برنامه انتشارات پژوهشکده منظور فرمودند بسیار سپاسگزار هستم. از جناب آقای کاظم عرب، معاونت محترم پژوهشکده باستان‌شناسی، جناب آقای سیدحسین تولیت، مسئول امور مالی و ذیحساب پژوهشکده و سرکار خانم اعظم توحیدلو، مسئول واحد انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی که در تسریع چاپ این اثر بسیار کوشا بوده‌اند نیز کمال امتنان را دارم. از دوست عزیزم جناب آقای مهران غلامی مدیر محترم مؤسسه گنجینهٔ نقش‌جهان که سرپرستی کلیه مراحل آماده‌سازی و چاپ این گزارش را تقبل فرمودند صمیمانه تشکر می‌کنم. سپاسگزار دوست عزیزم آقای علی اسکاتن که زحمت اصلاح بخش انگلیسی این گزارش را قبول و انجام داده‌اند هستم.

دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی
سرپرست و مجری «طرح بازنگری سیلک»
۱۴ شهریور ۱۳۸۵

WWW.ATHAREBARTAR.COM

مقدمه

اساس تغییر و تحول در علوم نقد علمی است. نقد علمی نیز جدا از ایراد بی‌جا و کوته‌نگری و تسویه‌حساب شخصی است. نتیجه و پی‌آمد تحولی را که لوئی‌پاستور در علوم‌تجربی پدید آورد امروزه به صورت کندوکاوی دقیق در مسائل فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و... خلاصه تمامی علوم‌تجربی به نمایش گذاشته شده، می‌شود و خواهد شد. پاستور اهمیت آزمون و آزمایش را نشان داد و آموخت که آنچه را که می‌گوییم و می‌نویسیم نشان دهیم. داستان تعداد دندان اسب احتمالاً به همین موضوع اشاره دارد. به روایت این داستان روزی تعدادی پژوهشگر درباره تعداد دندان اسب بحث می‌کردند. هر یک نظری ارائه می‌داد و سعی می‌کرد تعداد دندان‌های اسب را با استناد به آراء گذشتگان به سایرین بقبولاند. بحث و گفتگو همچنان بدون نتیجه ادامه داشت که یکی پیشنهاد کرد به اصطبلی بروند و از نزدیک تعداد دندان اسب را بشمارند. یعنی بر اساس رؤیت مدرک و سند بحث کنند و نه به استناد آنچه نوشته شده و یا بیان شده است.

امروزه باستان‌شناسی ترکیبی است از سؤال درست و استفاده از سایر رشته‌های علوم برای دریافت پاسخ درست؛ در باستان‌شناسی هم مانند سایر علوم‌تجربی باید مدارک و شواهد عینی را اساس قرار داد، زیرا استناد به روایات و احساس و تخیل نه تنها مسئله‌ای را حل نمی‌کند بلکه خود مسئله‌آفرین می‌شود. باستان‌شناسی هم مانند سایر علوم دستخوش تغییر و تحول دایم است. ضرورت استفاده از تجربیات سایر رشته‌های علمی برای دستیابی به مدارک و شواهد جدیدتر تا به اندازه‌ای است که می‌توان گفت بدون آن بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ می‌مانند. با به‌دست آمدن مدارک و شواهد جدیدتر تعبیر و تفسیر گذشته بر اساس مدارک و شواهد موجود دیگر قابل قبول نخواهد بود و باید از نو گذشته را تعبیر و تفسیر کرد.

یکی دیگر از مسائلی که در تغییر و تحول مطالعات باستان‌شناسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است روش‌ها و دیدگاه‌ها هستند. زیرا روش‌ها و دیدگاه‌ها نیز دائماً دچار تغییر و تحول می‌شوند. مثلاً تا چندی قبل مسئله «نژاد» یکی از مسائل مورد بحث در انسان‌شناسی‌زیستی بود. ولی امروزه با این تعریف که آن گروه از موجوداتی که بتوانند تولیدمثل نمایند در یک گروه نژادی طبقه‌بندی شوند، دیگر رنگ پوست و تغییرات ظاهری جایگاهی در طبقه‌بندی نژادی ندارند؛ چون روش و دیدگاه تغییر کرد نتیجه نیز تغییر کرد و لذا اساس طبقه‌بندی تحول پیدا کرد. در باستان‌شناسی نیز روش‌ها و دیدگاه‌ها تغییرپذیر هستند و یکی از جذابیت‌های

WWW.ATHAREBARTAR.COM

باستان‌شناسی امروزه نیز در نتیجه تغییراتی است که در روش‌ها و دیدگاه‌ها پدید آمده است. آنچه در هفتاد سال پیش و در زمان شادروان رومن گیرشمن روش‌ها و دیدگاه‌های نو و جدید نسبت به روش‌ها و دیدگاه‌های گذشته محسوب می‌شد، امروزه منسوخ است و نتیجه روش‌ها و دیدگاه‌های جدید اگر نه تمام، بخش اعظم نظریات گذشته را مردود نموده است.

امروزه در مطالعات باستان‌شناسی مسئله «بازنگری» از آن جهت اهمیت دارد که خود نیز در آینده نیازمند «بازنگری» جدیدی است. تا انسان هست و در تکاپو است تا بتواند هرچه بیشتر از پیش، با اعمال روش‌ها و دیدگاه‌های نو، شواهد و مدارک تازه‌تری به دست آورد و با کمک از سایر علوم به مسائل مجهول گذشته دسترسی پیدا کرده آنها را فهم و درک کند «بازنگری» حرف اول را می‌زند و نقش اساسی را دارا است. بنابراین آنچه امروز گفته و یا نوشته می‌شود موقتی خواهد بود و حرف آخر نیست. «طرح بازنگری سیلک» نیز هیچگاه ادعا ندارد که حرف آخر را زده است و تنها می‌تواند به این مختصر اکتفا کند که با کمک سایر رشته‌های علمی و به‌کار بردن روش‌ها و دیدگاه‌های جدید و نوتر اطلاعات سابق را روزآمد نموده و اطمینان دارد که در آینده نیز دیگران با بازنگری در کوشش‌هایی که تاکنون به‌عمل آمده این راه را ادامه خواهند داد و کوشش آنها منجر به روشن‌گری مسائل و مجهولاتی خواهد شد که ما نتوانستیم مشخص و معلوم نمائیم. «طرح بازنگری سیلک» می‌تواند ادعا کند تا آنجا که در توان علمی داشته است کوشش نموده تا در طی پنج فصل پژوهش در سیلک و مناطق نزدیک اطراف آن اطلاعات گذشته را بازنگری کرده و آن را روزآمد کرده است و خوشبختانه در طی این مدت موفق به دست‌آوردهای چشمگیری نیز گردیده است. امروز که «طرح بازنگری سیلک» پنجمین فصل و آخرین فصل پژوهش خود را به پایان رسانده با توجه و اعتقاد به اینکه بین واقعیت و حقیقت فاصله‌ای است به اندازه طول حیات انسان، می‌تواند بگوید که با روزآمد کردن اطلاعات گذشته تنها موفق شده است تا به قسمتی دیگر از واقعیت‌ها دست یابد و برای کشف حقیقت راهی بس دراز در پیش دارد.

روان‌شاد رومن گیرشمن در هفتاد سال قبل کاری کارستان کرد و با پژوهش در سیلک معیار و میزانی ساده، سهل‌الفهم و قابل استناد برای باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران پدید آورد. عظمت کار او ما را بر آن داشت تا با هدف روزآمد نمودن مطالعات او به بازنگری دست‌آوردهای او بپردازیم و از این طریق بتوانیم تجربیات تازه‌ای بیاموزیم.

«طرح بازنگری سیلک» این افتخار را دارد که با پنج فصل پژوهش در سیلک اعلام کند که در میان تمامی باستان‌شناسانی که در هفتاد سال قبل در ایران به پژوهش پرداخته بودند تنها گیرشمن بود که سال‌ها پیش‌تر از بقیه حرکت کرد و نوآوری‌های او در مطالعات باستان‌شناسی میدانی ایران هرگز فراموش نخواهد شد.

هدف «طرح بازنگری سیلک» انتقاد یا ایراد بی‌جا از گیرشمن نبوده و نیست. این نوشتار که می‌تواند به عنوان فشرده‌ای از حاصل پنج فصل پژوهش مجدد در سیلک تلقی شود، نشان می‌دهد که «طرح بازنگری سیلک» تنها توانسته است بخشی از پژوهش‌های گیرشمن را روزآمد نماید و ادامه راه را به آیندگان بسپارد.

انتشار سریع گزارش کاوش‌های گیرشمن در سیلک همانند نورافکنی بود تا ما بتوانیم در پرتو آن در راه بازنگری گام برداریم و موفق به روزآمد کردن بخشی از اطلاعاتی که آن شادروان در اختیارمان قرار داده بود شویم.

عنوان اولیه طرحی که برای تصویب پیشنهاد شده بود «***طرح بازنگری و سامان‌دهی سیلک***» بود که به «***طرح بازنگری سیلک***» تغییر پیدا کرد. این تغییر از آنجا صورت گرفت که هنگامی که برای امکان‌سنجی اولیه سامان‌دهی محوطه سیلک به محل رفتیم تصمیم گرفته شد تا بازنگری و روزآمد نمودن اطلاعات قبلی در اولویت قرار داده شود و در ضمن به سامان‌دهی مقدماتی محوطه نیز با توجه به بودجه، نیروی انسانی و زمان بپردازیم. هدفمان از این بازنگری جستجو برای پی‌بردن به اشتباهات اقدامات گذشته نبود. چون کاوش‌های شادروان گیرشمن در هفتاد سال قبل انجام شده بود و در آن زمان ضوابط علمی پژوهش‌های میدانی به بهترین صورت بوسیله کاوشگر رعایت شده بود. بنابراین برنامه را به گونه‌ای تنظیم کرده بودیم که چنانچه گیرشمن با امکانات و

WWW.ATHAREBARTAR.COM